



The Role of Schools in the Production and Writing of Jurisprudential Works in the First Safavid Period according to the Manuscripts of Iranian Libraries

Habibollah Azimi 

Associate Professor, Scientific Advisor of National Library and Archives of I.R of Iran, Tehran, Iran. E-mail: habibazimi@yahoo.com

Abstract

Objective: The main aim of this research is to determine the centers and schools for the reproduction of jurisprudential sources and to study the frequency of jurisprudential works written in Shiite schools in the first Safavid period.

Methodology: Due to the extent of subject, the thematic scope of this research is the jurisprudential works written in Shiite schools in the first Safavid period, from the beginning to the era of Shah Abbas I (from 907 to 1038 AH) and within the geographical area of important cities in Iran.

Findings: The research findings are: A) Out of 392 jurisprudential books and booklets written in the first Safavid period, only in 86 of the jurisprudential manuscripts under study, the center of reproduction is mentioned. B) Among the cities of Iran in the first Safavid period, the cities of Mashhad and Shiraz each with 9 schools and Isfahan with 6 schools have the most Shiite schools with the highest frequency of writing jurisprudential works. Then, the cities of Kashan with 4 schools and Tehran with 3 schools and the city of Hillah from Iraq with 2 schools and other cities each with 1 school are in the next ranks in terms of the frequency of reproduction of jurisprudential works in Shiite schools.

Conclusion: Due to the need of Safavid kings to spread the Shiite Imami culture and belief after the official announcement of the Shiite religion in Iran, the establishment of Shiite schools in large and important cities was one of the plans of the Safavid kings in the Safavid period. By studying the writing centers of the first Safavid period among the studied jurisprudential works, the number of schools in Mashhad, Shiraz and Isfahan had a high frequency and the number of schools in Kashan and Tehran was in the next rank and the number of schools in Qazvin and Qom were in the last rank. In all schools of Iran and even schools of other countries, the jurisprudential works of famous Imami jurists and mainly books that are considered as a textbook have been written and copied.

Keywords: Shiite schools, the first Safavid period, Production and writing of jurisprudential works, Jurisprudential manuscripts

Article type: Research

How to cite:

Azimi, H. (2022). The Role of Schools in the Production and Writing of Jurisprudential Works in the First Safavid Period according to the Manuscripts of Iranian Libraries. *Library and Information Sciences*, 25(3), 166-188.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 26/04/2020

Received in revised form: 27/06/2020

Accepted: 04/07/2020

Available online: 21/12/2022

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi
Library and Information Sciences, 2022, Vol. 25, No.3, pp. 166-188.

© The author





نقش مدارس در تألیف و کتابت آثار فقهی در دوره صفویه اول با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران

حبیب‌الله عظیمی

دانشیار پژوهشی و مشاور علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران. رایانامه: Azimi@nlai.ir; habibazimi@yahoo.com

چکیده

هدف: بررسی تطبیقی تعدد کانون‌های استنساخ آثار فقهی در دوره صفوی اول؛ بررسی فراوانی تعداد مدارس و میزان استنساخ آثار فقهی در مدارس دوره صفوی اول. مسئله اصلی این پژوهش، تعیین مراکز و مدارس استنساخ منابع فقهی و بررسی فراوانی آثار فقهی کتابت شده در مدارس شیعی در دوره صفوی اول است.

قلمرو پژوهش (از نظر موضوعی، زمانی و مکانی): با توجه به کثرت آثار فقهی کتابت شده در دوره صفویه و گستردگی موضوع، دامنه موضوعی این پژوهش، آثار فقهی کتابت شده در مدارس شیعی در دوره اول صفویه، از ابتدای حکومت صفویه تا عصر شاه عباس اول (از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق) و در محدوده جغرافیایی شهرهای مهم ایران است.

یافته‌های پژوهش: الف) از میان ۳۹۲ کتاب و رساله فقهی تألیف و کتابت شده در دوره صفوی اول، فقط در ۸۶ نسخه از آثار فقهی مورد پژوهش، کانون استنساخ ذکر شده که بیشترین فراوانی استنساخ مربوط به مدرسه است که با ۶۵ استنساخ در ۴۷ مدرسه، فاصله معنی‌داری با بقیه کانون‌ها دارد که آن‌ها جمعاً دارای ۲۰ استنساخ هستند. ب) در میان شهرهای ایران دوره صفوی اول، شهرهای مشهد و شیراز هر کدام با ۹ مدرسه و اصفهان با ۶ مدرسه دارای بیشترین مدارس شیعی با بیشترین فراوانی کتابت آثار فقهی بوده، سپس شهرهای کاشان با ۴ مدرسه و تهران با ۳ مدرسه و شهر حله عراق با ۲ مدرسه و بقیه شهرها هر کدام با ۱ مدرسه در رتبه‌های بعدی به لحاظ فراوانی استنساخ آثار فقهی در مدارس شیعی قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: مدارس شیعی، دوره صفوی اول، تألیف و کتابت آثار فقهی، نسخ خطی فقهی

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

عظیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۱). نقش مدارس در تألیف و کتابت آثار فقهی در دوره صفویه اول با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۳۵(۳)، ۱۶۶-۱۸۸.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۱، دوره ۲۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۹۹، صص. ۱۶۶-۱۸۸.

© نویسنده



مقدمه

پادشاهان صفوی پس از تشکیل یک حکومت مرکزی کوشیدند با استفاده از روحانیت تشیع در داخل و خارج کشور و ترغیب آنان به تقویت و تبلیغ مذهب و تولید کتب و رسائل شیعی، زمینه استحکام بنیان مذهبی را فراهم سازند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره، نوع فعالیت‌های تعداد زیادی از نخبگان علمی شیعه و فقهای امامیه در تولید آثار فقهی متعدد برای تحکیم مبانی شیعی است. فعالیت علمی این گروه از عالمان شیعی در برابر سایر مذاهب اسلامی در مسیر توسعه و گسترش فقه امامیه و تقویت مبانی اعتقادی مردم شیعه و البته تقویت بنیادهای سیاسی دولت صفوی در برابر دولت عثمانی اهمیت فراوان داشت.

این علماء توانستند با تأسیس و یا توسعه مدارس و حوزه‌های درسی و تربیت شاگردان متعدد، فقه شیعه را توسعه داده و جنبه‌هایی از فقه امامیه همچون ابعاد سیاسی و حکومتی آن نیز که قبلاً مغفول مانده بود را غنا بخشند. بدون شک، تألیف و انتشار منابع جدید فقهی و استنساخ کتب فقهی علمای پیشین، سهم بزرگی در تقویت بنیان‌های فکری و التزام عملی افراد جامعه و گسترش تشیع در دوران صفویه دارد.

تأسیس مدارس در عصر صفوی به ویژه در دوره شکوفایی عصر صفویه - یعنی از دوره شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸) به بعد - اوج گرفت و حتی دوره حکومت شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) و شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) در گند شدن روند رشدیابنده تأسیس آن‌ها تأثیر نگذارد. از این منظر، دوره ضعف و انحطاط صفویه با دوره اوج و شکوفایی ساخت مدارس همزمان بوده است (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). این مدارس و عالمانی که آرام آرام بر گستره فقه آموزی می‌افزودند، به پشتوانه حکومت صفوی از عوامل مهم و تأثیرگذار رشد فقه‌های در ایران بودند (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱).

مسئله اصلی این پژوهش، تعیین مراکز و مدارس استنساخ منابع فقهی و بررسی فراوانی آثار فقهی کتابت شده در مدارس شیعی در دوره صفوی اول است. پس از بررسی نسخ خطی فقهی که در دوره صفوی در مدارس استنساخ شده می‌توان به رشد و توسعه فزاینده تولید آثار فقه امامیه در این دوره و تداوم این سیر صعودی در دوره‌های بعدی پی برد و به این نتیجه رسید که دوره صفویه در جهت رشد فزاینده تولید منابع فقه شیعی، نقطه عطفی در تاریخ ایران به حساب می‌آید. همچنان که نویسنده محافل‌المؤمنین - از علمای پس از عصر صفویه - معتقد است که همچون کتب دینی این دوره، در هیچ دوره دیگری نوشته نشده است (حسینی عاملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۷-۱۰۸).

اهمیت و ضرورت پژوهش

رونق تعلیم و تعلم معارف شیعه به ویژه فقه در مدارس روزگار صفویه در ایران موجب شد که از میانه دوره حکومت صفویه، کانون‌های دینی مذهب تشیع اثنی عشری در عراق از شکوفایی علوم دینی در ایران

تأثیر بپذیرند. پایتخت حکومت صفویه (اصفهان) و شهرهای مهمی همچون، مشهد و شیراز در این زمینه تأثیرگذار بودند و سرانجام مرکز علمی و فقهی تشیع تا دو قرن و نیم به ایران منتقل شد (جعفریان، ۱۳۷۹، ص. ۸۱۴). مدارس این عصر از مؤثرترین و پایدارترین حامیان تشیع فقه‌ای بودند و تدریس بسیاری از متون مهجور شیعه در مدارس آن روزگار رواج یافت. بر اساس گزارش منابع تاریخی این دوره مانند ریاض العلماء و فهارس نسخ خطی عصر صفوی، افزایش میزان تعلیم و تعلم و تألیف و استنساخ کتب فقهی و حدیثی شیعه و روند صعودی آن در مدارس، آشکارا از فزونی و پیشرفت برخوردار بوده است. این ویژگی را از متون آموزشی و کتاب‌های استنساخ شده آن دوره نیز می‌توان استنباط کرد (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳-۱۳۷).

با رونق گرفتن مذهب شیعه در مدارس دوره صفوی تألیف و تدوین، ترجمه، استنساخ و کتابت متون دینی به ویژه در حوزه فقه شیعی گسترش یافت. گزارش‌های فراوانی درباره تدوین و استنساخ بسیاری از متون دینی آن روزگار به ویژه نیمه دوم عصر صفوی معطوف به مذهب شیعه، در کتب خطی این دوره در دست است^۱. با بررسی متون شیعی و فقهی برجای مانده از آن دوره می‌توان دانست که بیشتر آن‌ها در عصر صفوی سامان یافته‌اند (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲).

تعداد قابل توجهی از این آثار در مدارس این دوره، تألیف یا کتابت شده‌اند که در انجامه (ترقیمه) برخی از نسخ خطی این دوره، نام مدرسه محل کتابت و کاتب آن نیز ذکر شده است. برای نمونه به چند مورد زیر اشاره می‌شود:

۱. مدارس شهر اصفهان: الف) مدرسه ملا عبدالله شوشتری اصفهان، کتابت تذکره الفقهای علامه حلی در این مدرسه به سال ۱۰۵۷ توسط حسن بن عبدالکریم صالح بحرانی (نسخه شماره ۲۶۶۶ مرکز احیاء قم)؛ ب) مدرسه جده اصفهان، کتابت زبده البیان مقدس اردبیلی در این مدرسه به سال ۱۰۸۹ ق توسط محمد رشید بن علیخان (نسخه شماره ۱۹۸۵ کتابخانه کاشف الغطاء)؛ ج) مدرسه قرجغای بیک اصفهان، کتابت نسخه قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام از علامه حلی به سال ۱۰۹۶ ق در این مدرسه توسط باقر بن هاشم حسینی گیلانی (نسخه شماره ۵۲ کتابخانه شهید محمد حسین شریعتی قم)؛ د) مدرسه شیخ لطف الله، محمدزمان تبریزی کتاب‌های بسیاری را هنگام سکونتش در مدرسه شیخ لطف الله نوشت (جعفریان، ۱۳۷۹، ص. ۱۷-۱۸).

۲. مدارس شهر شیراز، الف) مدرسه خانیه شیراز، کتابت شرح مختصر الاصول عضالدین ایچی در این مدرسه به سال ۱۰۴۴ ق (نسخه شماره ۷۳۲۳ کتابخانه مجلس)؛ ب) مدرسه رفیعیه شیراز، کتابت شرح فرائض

۱. برای نمونه رجوع شود به: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۱۲، ص. ۲۷۰؛ ج ۱۴، ص. ۱۰۱؛ ج ۱۶، ص. ۱۰؛ ج ۱۷، ص. ۲۳۴.

به سال ۱۰۳۵ق در این مدرسه توسط شمس الدین محمد بن جلال حسنی حسینی (نسخه شماره ۴ کتابخانه آیت الله مرعشی)؛ ج) مدرسه میرزا لطف اله شیراز، کتابت حاشیه ارشادالاذهان به سال ۱۰۲۳ق در این مدرسه توسط محمد باقر بن زین العابدین کرمانی (نسخه شماره ۷۵۹ مدرسه علمیه مروی).

۳. مدارس شهر مشهد، الف) مدرسه یوسف خواجه مشهد، کتابت ارشادالاذهان علامه حلی به سال ۱۰۴۵ق در این مدرسه توسط محمد مازندرانی (نسخه شماره ۱۲۷۴ کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی)؛ ب) مدرسه فاضل خان مشهد، کتابت اثنی عشریات ابن قاسم حسینی عاملی به سال ۱۰۷۹ق در این مدرسه توسط طلبه‌ای به نام محمد طاهر اراسنجی (نسخه شماره ۱۱۴۹ کتابخانه مجلس)

۴. مدارس شهر قزوین، الف) مدرسه خلیفه قزوین، ص. کتابت حاشیه عده الاصول ملاخلیل قزوینی به سال ۱۰۸۸ق در این مدرسه توسط محمد معصوم بن ملامحمدباقر طالقانی (نسخه شماره ۱۹۰ کتابخانه مجلس)؛ ب) مدرسه التفانیه قزوین، کتابت حاشیه عده الاصول ملاخلیل قزوینی به سال ۱۱۲۱ق در این مدرسه توسط کاظم بن باقر قزوینی (نسخه شماره ۱۱۷۵۲ کتابخانه آیت الله مرعشی).

با بررسی فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا)، نمونه‌های بسیاری از این دست یافت می‌شود که دلالت دارد بر فزونی میزان تألیف و استنساخ آثار فقهی شیعی در این دوره. با توجه به نسخه‌های خطی این دوره می‌توان دریافت که کاتبان بخش فراوانی از این نسخه‌ها، طالبان علوم دینی بوده‌اند (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳-۱۳۰) و بیشتر نویسندگان یا مترجمان آثار از مدرسان و دانش‌آموختگان مدارس دوره صفوی بوده‌اند (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴).

قلمرو پژوهش (از نظر موضوعی، زمانی و مکانی)

با توجه به گستردگی موضوع، دامنه موضوعی این پژوهش، آثار فقهی کتابت شده در مدارس شیعی در دوره اول صفویه، از ابتدا تا عصر شاه عباس اول (از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ق) و در محدوده جغرافیایی شهرهای مهم ایران است.

اهداف پژوهش

۱. بررسی تطبیقی تعدد کانون‌های استنساخ آثار فقهی در دوره صفوی اول
۲. بررسی فراوانی تعداد مدارس و میزان استنساخ آثار فقهی در مدارس دوره صفوی اول

پرسش‌های پژوهش

۱. فراوانی کانون‌های استنساخ آثار فقهی در دوره صفوی اول کدام است؟
۲. فراوانی مدارس و میزان استنساخ آثار فقهی در مدارس دوره صفوی اول چگونه است؟

۳. عناوین نسخ خطی فقهی کتابت شده در مدارس دوره صفوی اول و مراکز نگهداری آن نسخه‌ها کدام

است؟

تعریف آثار فقهی

منظور از آثار فقهی در این پژوهش، آثار فقهی امامیه اعم از کتاب‌های مستقل دربردارنده تمامی ابواب مختلف فقهی (از طهارت و صلاه گرفته تا حدود و دیات) و یا تعدادی از ابواب فقهی، کتاب‌هایی در شرح و حواشی کتاب‌های فقهی دیگر و رساله‌های فقهی دربردارنده یکی از ابواب فقهی مانند صوم و صلاه و یا ارث است.

پیشینه پژوهش

برخی از محققان در پژوهش‌های پیشین و مشابه، با استناد به متون مختلف تاریخی با بررسی ظهور فقه‌های بزرگ در دوره صفوی و یا مهاجرت فقه‌های بزرگ شیعه از جبل عامل به دارالسلطنه اصفهان، به روند افزایشی تولید آثار دینی و فقهی در این دوره حکم کرده‌اند. نگارنده در این پژوهش قصد دارد با بررسی و شمارش نسخه‌های خطی تألیف یا استنساخ شده در این دوره در مدارس شیعی، میزان رشد و فراوانی تألیف و کتابت آثار فقهی در این مدارس را تعیین کند. طبعاً با استناد به آمار و ارقام کتاب‌های فقهی تولید شده در این دوره در مدارس، می‌توان به طور مستند راجع به نقش مدارس در تولید آثار فقهی در این دوره اظهار نظر نمود. بر این اساس، انجام این پژوهش می‌تواند گسترش مدارس و توسعه فزاینده منابع فقهی در دوره صفویه را با استناد به نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های ایران نشان دهد.

مبانی نظری پژوهش

مدارس دوره صفویه

تعلیم و تربیت در این دوره سوگیری تازه‌ای داشت و اگرچه همه سطح‌های آموزشی آن (از مکتبخانه و مسجد تا مدرسه) نقش تأثیرگذاری در این سوگیری داشتند، اما مدرسه مهم‌ترین مرکز آموزشی به شمار می‌رفت. به همین لحاظ، لازم است پیرامون مدارس دوره صفویه، بیشتر بررسی و پژوهش شود. در این بخش از مبانی نظری پژوهش، مباحث بیشتری در خصوص مدارس دوره صفویه ارائه می‌شود.

تأسیس و شکل‌گیری مدارس در عصر صفوی

به لحاظ محدودیت‌هایی که پیش از صفویان بر تشیع اعمال شده بود و از همه مهم‌تر رسمیت یافتن آن در این دوره در کشوری پهناور، نیاز به مبلغین و فقها برای ترویج و تحکیم مبانی عقیدتی شیعه امامیه بسیار ضروری می‌رسید. در ابتدای حکومت صفوی عده‌ای از روحانیون عالی رتبه شیعه از شام، بحرین، جبل عامل

لبنان و کربلا و نجف توسط شاه تهماسب به ایران فراخوانده شدند، تا آنان با همیاری و همفکری روحانیون ایرانی با سازماندهی تشکیلات مربوط به روحانیت، به ترویج تشیع بپردازند.

در این شرایط، ضرورت داشت تا مراکزی به عنوان عامل تغذیه کننده و پشتیبان ایدئولوژیکی برای تبلیغ تشیع تأسیس شود. این امر موجب شد که تشکیل مدارس مورد توجه علما قرار گیرد و پس از تثبیت حکومت صفوی، فعالیت‌های وسیعی در زمینه مدرسه‌سازی در سراسر ایران پدید آید.

این اقدام با به حکومت رسیدن شاه عباس و انتقال پایتخت به اصفهان که دوره‌ای از آرامش و امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی را در پی داشت، تسریع گردید و مدرسه‌های زیادی با حمایت شخص شاه، خانواده سلطنتی، درباریان، صاحب منصبان، افراد بانفوذ اجتماع و افراد خیراندیش در اصفهان احداث شد و روند تا پایان دوره صفوی با شدت و قوت دنبال شد (رئیس الساداتی، ۱۳۹۳، ص. ۴).

علما می‌خواستند با بهره‌گیری از شرایط سیاسی و اجتماعی عصر صفوی به ترویج و تثبیت مذهب تشیع بپردازند و احکام اسلامی بر مبنای آموزه‌های شیعی را در جامعه رواج دهند (بهمنی، ۱۳۹۰، ص. ۳). آنان به زودی ضرورت تأسیس مدارس مذهبی را احساس کردند. این امر سرانجام منجر به تأسیس مدارس متعدد مذهبی در دوره صفویه به عنوان یکی از ابزارهای مهم تبلیغ آموزه‌های شیعی شد.

مدرسه مهم‌ترین مرکز نهاد آموزش در دوره صفوی به شمار می‌رفت و از حمایت‌های حکومت صفوی و دیگر اقدار بانفوذ جامعه برخوردار بود. حکومت صفویه ابتدا با اعمال قدرت تلاش کرد، مذهب تشیع را گسترش دهد؛ اما کم کم به این حقیقت پی برد که ترویج بنیادین تشیع به وسیله دیگری نیازمند است. بنابراین، تعلیم و تربیت به عنوان نهادی تأثیرگذار مورد توجه صفویان قرار گرفت و آنان برای پیشبرد اهداف خود به ایجاد مراکز آموزشی اهتمام ورزیدند که در آن تعلیم علوم دینی و معارف تشیع محور بود (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص. ۱۲۳).

تأسیس مدرسه به عنوان مهم‌ترین مرکز نهاد آموزش و پشتیبان ایدئولوژیک حکومت صفوی، همواره مورد توجه سلاطین و خاندان صفویه قرار گرفت. مدارس زیادی با حمایت‌های مالی شاه، خاندان سلطنتی، درباریان، صاحب منصبان و ثروتمندان خیر ساخته شد که ویژگی مشترک همه آن‌ها، اختصاص به مذهب رسمی کشور یعنی مذهب تشیع دوازده امامی بود و کسانی می‌توانستند در این مدارس تحصیل، تدریس یا حتی کار کنند که به مذهب تشیع امامیه معتقد باشند (اشکوری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۸۹-۹۰)؛ چنان که در شهرهای اصفهان، شیراز و مشهد تأسیس یا فعالیت حتی یک مدرسه غیرشیعی نیز گزارش نشده است.

در عصر صفویه مدارس بسیاری به ویژه در شهرهای مهمی همچون اصفهان، مشهد و شیراز تأسیس شد و در مناطقی که امکان‌پذیر بود، مدارس پیشین به مذهب دوازده امامی اختصاص یافت، مانند مدرسه

«باباقاسم» اصفهان که در عصر صفوی به نام مدرسه امامیه و این بار در قالب مذهب تشیع به فعالیت آموزشی خود ادامه داد. مدارس بازمانده از عصر تیموری در مشهد نیز چنین شرایطی داشتند (بخشی استاد، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۵).

احداث مدارس از دوره شاه عباس اول (حکومت ۹۹۶-۱۰۳۷) که اوج شکوفایی سیاسی و اقتصادی عصر صفویه به شمار می‌آید، اوج گرفت و همچنان تا پایان عصر صفوی روند صعودی داشت. بیشتر مدارسی که در عصر صفوی بنا شدند، متعلق به دوره شاه عباس اول و دوره پس از اوست؛ به گونه‌ای که از نظر کمیت و کیفیت قابل مقایسه با دوره پیش از شاه عباس اول نیست. دوره انحطاط سیاسی عصر صفویه یعنی دوره حکومت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی مقارن با اوج تأسیس مدارس در عصر صفوی است (لاکهارت، ۱۳۸۳، ص. ۴۱۹).

برای نشان دادن سیر صعودی گسترش مدارس در عصر صفوی می‌توان شهرهای مشهد و شیراز را مثال زد. در مشهد هفت مدرسه مهم ساخته شد که همه آن‌ها مربوط به دوره شاه عباس اول و پس از او در عصر صفوی است. در شیراز عصر صفوی، حدود ده مدرسه مهم فعالیت آموزشی داشت که هشت مدرسه آن در دوره شاه عباس اول و پس از آن تأسیس شد. چنین روندی در سایر شهرهای عصر صفوی مانند اصفهان نیز مشاهده می‌شود (بخشی استاد، ۱۳۹۲، ص. ۳۴-۵۶). شاردن^۲ در سفرنامه خود به معرفی مدارس اصفهان پرداخته و به گفته او فقط در این شهر حدود پنجاه مدرسه وجود داشت (شاردن، ۱۳۳۰، ص. ۱۱۳).

شکل‌گیری مدارس شیعی در دوره صفویه

پس از تثبیت حکومت صفوی فعالیت‌های وسیعی در زمینه مدرسه‌سازی در سراسر ایران پدید آمد. این اقدام با به حکومت رسیدن شاه عباس و انتقال پایتخت به اصفهان که دوره‌ای از آرامش و امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی را در پی داشت، تسریع گردید. در نتیجه مدرسه‌سازی رشد چشمگیری را در شهرهای مختلف به ویژه در اصفهان در عصر شاه عباس اول و جانشینان او پیدا کرد و مدارس زیادی با حمایت خانواده‌های سلطنتی، درباریان، صاحب منصبان، افراد بانفوذ و خیراندیش در اصفهان و شهرهای دیگر احداث شد و روند آن تا پایان دوره صفوی با شدت و قوت ادامه یافت (بهمنی، ۱۳۹۰، ص. ۳).

در ابتدای حکومت صفویه، برای تثبیت تشیع و نهادینه شدن آن در همه عرصه‌های زندگی و ترویج مذهب شیعه، حضور عالمان شیعی در جامعه امری ضروری بود. دانشمندان و فقها برای تبلیغ و ترویج دین نیاز به ابزاری به عنوان عامل تغذیه‌کننده و پشتیبان ایدئولوژیکی برای تبیین اندیشه‌ها و تربیت شاگردان

۲. شاردن فرانسوی یکی از معروف‌ترین سیاحانی است که در دوره شاه سلیمان صفوی از ایران دیدن کرد.

داشتند. آنان به زودی ضرورت تأسیس مراکزی که بتواند از یک سو مذهب شیعه اثنی عشری را در جامعه رواج دهد و از سوی دیگر سبب جلوگیری از گسترش صوفی‌گری و مبارزه برای حذف مذهب تسنن و اندیشه‌های دیگر غیرشیعی در جامعه شوند، احساس می‌کردند. این امر منجر به تأسیس مدارس مذهبی متعدد در دوره صفویه شد که به عنوان یکی از ابزارهای مهم در ترویج و تثبیت تشیع قلمداد می‌شود (بهمنی، ۱۳۹۰، ص. ۳).

در این دوره مدارس شیعی بسیاری پا گرفت و مدارس اهل سنت تا حد ممکن تعطیل شد و به جای آن‌ها مدارس شیعی با موقوفات و کمک‌های مالی شاهان و بزرگان صفوی پدید آمد. در هیچ یک از دوره‌های عصر صفوی، حتی یک مدرسه غیرشیعی در اصفهان، شیراز و مشهد نبود؛ زیرا اندیشه دینی حاکم بر مدارس این دوره، تشیع اثنی عشری بود و واقفان و بانیان مدارس، با وجود اختلاف‌هایشان در برخی از مسائل، بر این موضوع با یکدیگر متفق بودند که مدارس باید مکانی برای انتقال آموزه‌های شیعه اثنی عشری باشد.

برای نمونه، در وقف‌نامه مدرسه «جده بزرگ» آمده است: «وقف بر طلاب علوم دینی از فرقه ناجیه اثناعشری» (اشکوری، ۱۳۸۷، ج ۷، ص. ۲۰۴). همچنین واقف مدرسه «نوریه» شرط کرده است که سرپرست مدرسه، حجره‌ها را به طالبان علوم مذهب حق اثنی عشری واگذار کند (اشکوری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص. ۲۱). واقف در وقف‌نامه مدرسه «مقیمیه» شیراز نیز شرط کرده است: «وقف بر طالبان حق امامیه اثنی عشری و طالبان علوم دینی و معارف یقینیه امامی المذهب متمسکین به اذیال ولاء ائمه معصومین» (حاتمی، ۱۳۸۲، ص. ۴۴). تأکید این مدارس بر مذهب تشیع اثنی عشری در گسترش و کمال معارف شیعی بسیار تأثیر گذاشت؛ مدارس که نخستین شرط تعلیم و تعلم در آن‌ها، پایبندی به مذهب شیعه بود.

در جوار مساجد این دوره، اغلب مدرسه‌های دینی وجود دارد. دربار صفویه بدون وقوف به تأسیساتی از قبیل: مساجد، گرمابه‌ها، قنات، شوارع عام و پل‌ها و بیش از همه مدارس دینی توجه داشته و قسمت قابل توجهی از عواید دربار صرف آن‌ها می‌شده است. بزرگان و اعیان در گرفتن سرمشق از پادشاهان به رقابت با یکدیگر بر می‌خیزند و وسایل مادی لازم را برای تأسیس و نگهداری انواع ساختمان‌ها و به خصوص موقوفه‌های دینی در اختیار می‌گذارند. به این دلیل، در این دوره اغلب شهرهای ایران پر از مدرسه و موقوفه است (صفت گل، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۸-۱۳۰).

در این دوره کم‌کم مدارس دینی به عنوان پایگاه فعالیت عالمان و مرکز نشر مبانی اندیشه‌ای و هدایت فعالیت‌های فکری و تبلیغی مورد توجه حکومت صفوی قرار گرفت. این مدارس نقش مهمی را در عرصه تولید اندیشه تشیع در جامعه و پرورش عالمان مشهور ایفا کرده و به مراکزی برای تألیف و کتابت آثار مذهبی و فقهی تبدیل شدند (بهمنی، ۱۳۹۰، ص. ۴). مدارس و حوزه‌های علمیه اصفهان و شهرهای دیگر ایران در دوره

صفوی از عوامل مهم ترویج اندیشه‌های شیعی و منشأ تحولات مهم اعتقادی و فقهی در ایران بوده‌اند و کارکرد اصلی آن‌ها در حوزه رشد و گسترش فقه و معارف شیعی و تربیت عالمان دین بوده است.

شاردن درباره مدرسه‌سازی در دوران صفویه می‌نویسد: «در ایران شماره مدرسه‌ها و مخارج آن‌ها فوق‌العاده قابل ملاحظه است» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۳۱). به طور معمول، برای هر مدرسه، روستاها و دکان‌هایی وقف می‌شد که درآمد آن‌ها می‌بایست صرف هزینه‌های جاری مدرسه از شهریه طلاب، تأمین روشنایی، تعمیرات و برگزاری اعیاد و جشن‌ها بشود.

به عنوان نمونه، تعدادی از مدرسه‌هایی که در این دوره در اصفهان ساخته شد عبارتند از: مدرسه شیخ صفی، مدرسه شیخ لطف‌الله، مدرسه ملا عبدالله، مدرسه جده بزرگ و مدرسه جده کوچک (شجاعی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۴)، مدرسه نوریه (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۲۲۹) و مدرسه شفیعیه (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۳۱۵).

تأسیس حوزه‌های علمیه و مواد درسی آن‌ها

اقتدار صفویان ناشی از بهره‌مندی و یاری گرفتن از پشتوانه اندیشه فراگیری بود که اگرچه در آغاز بر دو رکن تصوف و تشیع قرار داشت، اما به دنبال رسمیت یافتن تشیع، آموزه‌های مذهب شیعه بزرگ‌ترین پشتوانه فکری آن گردید و فرهیختگان دینی، به خصوص علمای مهاجر، در تقویت و ترویج اندیشه مذهبی آن نقش بسزایی داشتند (شیبانی، ۱۳۴۶، ص ۵۹).

در دوره صفوی، مرجعیت شیعه بیشتر در جبل عامل پراکنده بود و مردم به مجتهدانی که در شهرها و روستاهای این منطقه حضور داشتند، مراجعه می‌کردند که در رأس این جریان شهید اول، شهید ثانی و محقق کرکی قرار داشتند. محقق کرکی و تعدادی از علمای عرب که به همراه وی به ایران آمدند، بنیان اصلی حوزه‌های علمیه ایران محسوب می‌شوند. کار محقق کرکی، به خصوص در دوره شاه اسماعیل، تبلیغ و پاسخ‌گویی به مسائل روز و نیز پایه‌گذاری حوزه‌های علمیه در شهرهای مختلف ایران بود. محقق کرکی از جمله در کاشان و اصفهان، حوزه علمی پربراری بنا نهاد که بعدها علمای بزرگی در خود پرورش دادند (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸). یکی از کارهای محقق کرکی تلاش برای قبله‌یابی شهرهای ایران بود.

فقه‌های جبل عامل، از قبیل محقق کرکی، شیخ بهایی، علامه مجلسی و دیگران، با تأسیس حوزه‌های فقهی در شهرهای مختلف ایران از جمله در اصفهان، نقش مهمی در گسترش آموزه‌های شیعی در بین مردم و نیز در جهت دادن به خط مشی ایران دوره صفویه داشتند.

به عنوان نمونه، محقق کرکی در این دوره به تربیت شاگردانی همت گماشت که هر یک از آن‌ها در روند رشد حوزه‌ها مؤثر واقع شدند. شاگردان او را ۴۰۰ نفر ذکر کرده‌اند. او و شاگردانش تأثیر مهمی در رشد آگاهی

مذهبی جامعه نوبنیاد شیعه در ایران و ایجاد حوزه‌های علمی شیعی بر جای گذاشتند که آثار آن، بعدها، با ظهور علمای بزرگی از میان همین حوزه‌ها ظاهر شد (حسینی زاده، ۱۳۸۰، ص. ۴۶-۴۷).

رونق حوزه‌های علمیه با استفاده از امکانات سلطنت و ترویج احکام شرعی از هدف‌های همکاری علمای شیعه در عصر صفوی بود. در کل، هدف آن‌ها نه مشروعیت دادن به حکام، بلکه ترویج احکام دین و رواج علوم اسلامی و دانش‌های دینی به شمار می‌رفت (جعفریان، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۸).

منابع درسی در نظام آموزشی دوره صفویه و جایگاه فقه در بین آن‌ها

در دوره صفوی به واسطه سیاست مذهبی که در پیش داشتند، در ترویج مذهب تشیع تلاش می‌کردند. به همین جهت، منابع شیعی و فقهی جزء منابع مهم درسی در مدارس گردید. کتاب‌هایی که در مدارس و مکاتب به طلاب ارائه می‌شد، کتاب‌های مذهبی با محوریت کتب فقهی شیعه و برخی از کتب در موضوع حکمت و ریاضی بود که آن کتاب‌ها منافاتی با اصول مذهب شیعه نداشت. در میان منابع درسی مدارس در این دوره، آثار فقهایی همچون شیخ حرّ عاملی، علامه حلی و علامه مجلسی از مهم‌ترین منابع درسی عصر صفوی بوده است (قنبری زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۱).

مدارس عصر صفوی از نظر متون درسی تفاوت‌هایی با مدارس پیش از خود داشتند. در نگاه کلان، متون درسی که با مذهب در ارتباط بودند، مانند فقه و حدیث تحت تأثیر مذهب رسمی قرار گرفتند. در این مدارس، بستر مناسبی برای رشد و بالندگی فقه شیعه که می‌بایست مهم‌ترین نیازمندی‌های دینی و روزمره مردم و همچنین حکومت را تأمین کند، فراهم و بر دیگر مکاتب فقهی در عصر صفوی برتری یافت. عالمان شیعه در ایران، بیشتر به علوم عقلی می‌پرداختند تا به علوم شرعی؛ یعنی بیشتر عالمان حکیم بودند تا فقیه. این جریان تا دوره تثبیت حکومت صفویه همچنان ادامه یافت و عالمانی مانند صدرالدین دشتکی، مصلح‌الدین لاری و میرزاجان شیرازی بیشتر به علوم حکمی توجه می‌کردند. با توجه به شرح حال مدرسان بزرگ دوره صفوی در سده دهم هجری و آثار آنان، چیرگی گرایش عقل‌گرا بر سنت آموزشی عالمان ایرانی به روشنی مشاهده می‌شود (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص. ۱۴۳).

سامان یافتن آثار علمی فراوان در حوزه‌های کلام، فلسفه و عرفان مذهب شیعه تألیف شده در دوران پیش از صفویه، در رشد اندیشه این مذهب بسیار تأثیر گذاشت؛ اما حوزه فقهی به ویژه فقه سیاسی، سرمایه علمی ناچیزی داشت. گزارش یافتن کتابی در فقه شیعه در آغاز استقرار حکومت صفویه، به انگیزه آموزش و اجرای احکام فقهی، این ادعا را تأیید می‌کند (روملو، ۱۳۴۲، ص. ۶۱).

پس از ورود نخبگان و عالمان بزرگ شیعی از دیگر مناطق شیعه نشین (جبل عامل و بحرین) به ایران و تدریس در مدارس در کنار عالمان ایرانی، کارهای علمی مدارس بر محوریت مذهب فقه شیعه متمرکزتر شد.

تنها دوازده تن از ۴۵ عالم مهاجر عاملی که در ساختار دینی ایران عصر صفوی نیز منصبی داشتند، در جایگاه مدرس در مدارس این دوره نشستند. بنابراین، متون فقهی شیعه به صورت گسترده‌ای در مدارس این دوره، مورد تعلیم و تعلّم قرار گرفت که پیش از آن سابقه نداشت (ابیساب، ۲۰۰۴، ص. ۱۵۳-۱۵۴). به علاوه، پس از ورود فقیهان و عالمان بزرگ شیعه از دیگر مناطق شیعه‌نشین همچون جبل عامل و بحرین به ایران و تدریس در مدارس در کنار عالمان ایرانی، تلاش‌های علمی مدارس بر فقه شیعه متمرکز شد.

برخی از مدارس در نیمه دوم عصر صفوی همچون مدرسه شیخ علی خان زنگنه در همدان، تعلیم و تعلّم علوم عقلی را ممنوع دانستند (رجوع شود به، امانی یمین، ۱۳۸۸، ص. ۹۸۴-۹۸۳). بنابراین، رویکرد فقهاتی بر رویکرد فلسفی چیره شد. با ارزیابی و سنجش متون آموزشی مدارس قرن دهم هجری در ایران و متون آموزشی قرن یازدهم هجری و سال‌های پایانی این دوره، روند رشدیابنده مدارس تشیع فقهاتی را می‌توان دریافت (بخشی استاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۱).

منابع مهم درسی فقهی این دوره عبارتند از: تبصره علامه حلی، شرایع الاسلام محقق اول، لمعه شهید اول محمد بن مکی، شرح لمعه شهید ثانی شیخ زین الدین عاملی. چنان که منابع مهم درسی اصول فقه در این دوره نیز عبارتند از: معالم الاصول شیخ حسن بن شهید ثانی، فصول شیخ حسین اصفهانی، قوانین الاصول میرزا ابوالقاسم قمی و رسائل شیخ مرتضی انصاری.

دیگر علمای مهاجر عاملی نیز در حوزه تعلیم و تعلّم به کارهای ویژه‌ای دست می‌زدند (فرهانی منفرد، ۸۹-۹۶). برای نمونه، محقق کرکی (متوفی ۹۴۰ ق) و شیخ عزالدین حسین عاملی (متوفی ۹۴۸ ق)، پدر شیخ بهایی، با تدریس در مراکز علمی ایران (مانند مدارس) و تربیت طلاب و فراهم آوردن منابع تشیع فقهاتی، در رشد رویکرد فقهی در مقابل رویکرد حکمی مدارس ایران، بسی تأثیرگذار بودند؛ چنان که شمار فراوانی از مدرّسان بزرگ مدارس عصر صفویه، از شاگردان بی واسطه و باواسطه آنان به شمار می‌رفتند.

صالح بن عبدالکریم بحرانی (م ۱۰۸۹ ق) نیز از این جرگه بود. او به شیراز رفت و به تدریس در مدارس این شهر (مانند مدرسه منصوریه) پرداخت و بر رونق معارف شیعه به ویژه دانش حدیث افزود؛ چنان که او را مؤثرترین عالم در گسترش حدیث در شیراز عصر صفوی دانسته‌اند (بحرانی، بی تا، ص. ۶۹). شیراز پیش از صفویه و در دوره حکومت صفویه، از مهم‌ترین مراکز علوم عقلی در ایران بود.

نقش مدارس دوره صفویه در تولید و استنساخ کتاب

مدارس این عصر از مؤثرترین و پایدارترین حامیان تشیع فقهاتی بودند و تعلیم بسیاری از متون مهجور شیعه، در مدارس آن روزگار رواج یافت. بر پایه گزارش منابع تاریخی این دوره مانند ریاض العلماء و فهارس نسخ خطی عصر صفوی، افزایش میزان تعلیم و تعلّم کتب فقهی و حدیثی شیعه و روند صعودی آن در

مدارس، آشکارا از فزونی و پیش رفت برخوردار بوده است. این ویژگی را از متون آموزشی و نسخ خطی استنساخ شده آن دوره نیز می‌توان استنباط کرد (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳-۱۳۷).

مدارس عصر صفویه نقش مهمی در جایگاه تولید و استنساخ کتاب داشتند. این نکته در دوره‌ای که صنعت چاپ در ایران هنوز رونق نیافته بود، بسیار مهم می‌نماید؛ زیرا در این دوران با توجه به رونق نداشتن صنعت چاپ در ایران، تکثیر متون علمی تنها از طریق نسخه‌برداری و استنساخ کتاب ممکن بود و هزینه فراوانی در پی داشت. از سوی دیگر، بیشتر طلاب از بضاعت مالی مناسبی برخوردار نبودند و مقرری آنان برای خرید متون درسی کافی نبود؛ بنابراین، متون درسی را خودشان استنساخ و حتی شماری از این راه هزینه‌های خود را تأمین می‌کردند (جزایری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص. ۳۰۷).

این پدیده شایع در مدارس که جزء کانون استنساخ دانشمندان و فاضلان به شمار می‌رفت^۱، از عوامل تأثیرگذار در گسترش متون دینی تشیع در این دوره بود؛ زیرا بیشتر کتاب‌های تولید و استنساخ شده در مدارس، آموزه‌های مذهب تشیع را در برداشتند. مجموعه این عوامل موجب افزایش تألیف و استنساخ و تکثیر کتب شیعی به ویژه کتاب‌های فقهی در عصر صفوی شد.

نقش مدارس این دوره در استنساخ متون شیعی

مدارس عصر صفویه در جایگاه مراکز تولید و نشر کتاب نشسته بودند. این نکته به ویژه در دوره‌ای که به دلایل مختلف صنعت چاپ در ایران رونق نداشت، بسیار مهم می‌نماید؛ زیرا تکثیر متون در این دوره تنها از طریق نسخه‌برداری میسر بود و هزینه فراوانی در پی داشت و از سوی دیگر، بیشتر طلاب از بضاعت مالی شایسته‌ای برخوردار نبودند و مقرری آنان نیز برای خرید متون درسی خود کافی نبود. بنابراین، متون درسی را خودشان استنساخ می‌کردند. حتی شماری از آنان از طریق استنساخ، درآمدی به دست می‌آوردند. برای نمونه، نعمت‌الله جزایری طلبه مدرسه منصوریه شیراز، هزینه‌هایش را از این طریق تأمین می‌کرد (جزایری، بی تا، ج ۴، ص. ۳۰۷).

این پدیده نیز خود از عوامل تأثیرگذار در گسترش متون دینی تشیع در این دوره بود؛ زیرا بیشتر نسخه‌ها، آموزه‌های مذهب اثنی عشری را در برداشتند. با توجه به نسخه‌های خطی این دوره می‌توان دریافت که استنساخ‌کنندگان و کاتبان بخش فراوانی از این نسخه‌ها، طالبان علوم دینی بوده‌اند (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳-۱۳۰). در پایان بیشتر این نسخه‌ها، اجازه نامه مدرس به کاتب نسخه آمده است. بنابراین، به سهم فراوان مدارس در زمینه استنساخ و انتشار کتب و متون شیعی، می‌توان پی برد.

۳. مساجد و خانقاه‌ها نیز از مراکز دیگر کانون استنساخ دانشمندان و فاضلان به شمار می‌رود.

استنساخ نسخه‌های متعددی از کتب اربعه حدیثی (به عنوان متون اصلی درسی) در مدارس دوره صفوی، نمونه خوبی در این باره است. بیشتر نسخه‌های خطی کتب اربعه حدیثی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، در عصر صفوی استنساخ شده‌اند. این کتاب خانه ۳۲۰ نسخه خطی از کتب اربعه حدیثی دارد که کتابت آن‌ها در ایران صورت پذیرفته است. یازده نسخه از آن‌ها پیش یا پس از عصر صفویه یا بدون تاریخ و دیگر نسخه‌ها از عصر صفوی رسیده است. این آمار به روشنی بر تأثیر مدارس در گسترش معارف و متون شیعی به ویژه دانش حدیث در این دوره، دلالت می‌کند (بخشی استاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۴).

نویسنده «محافل المؤمنین»، از علمای پس از عصر صفویه، با ستایش دوره صفویه به ویژه دوره شاه سلطان حسین صفوی و مدرسه «سلطانی»، معتقد است که همچون کتب دینی این دوره، در هیچ دوره دیگری نوشته نشده است (حسینی عاملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۸-۱۰۷). بنابراین مدارس این دوره در گسترش استنساخ متون شیعی در جامعه، بسیار تأثیرگذار بودند. همچنان که علاوه بر کاتبان، بیشتر مؤلفان یا مترجمان آثار نیز از مدرّسان و دانش‌آموختگان مدارس این دوره بودند.

یافته‌های پژوهش

پاسخ به پرسش نخست پژوهش: بررسی تطبیقی تعدد کانون‌های استنساخ آثار فقهی در دوره صفوی اول، از ابتدای حکومت صفویه تا عصر شاه عباس اول (از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق).

الف) نحوه پراکندگی کانون‌های استنساخ آثار فقهی

جدول ۱، مراکز و کانون‌های کتابت و استنساخ آثار فقهی در دوره صفوی اول را نشان می‌دهد. مطابق با یافته‌های این جدول، از میان ۳۹۲ کتاب و رساله فقهی تألیف و کتابت شده در دوره صفوی اول، فقط در ۸۶ نسخه از آثار فقهی مورد پژوهش، کانون استنساخ ذکر شده که بیشترین فراوانی استنساخ مربوط به مدرسه است که با ۶۵ استنساخ در ۴۷ مدرسه، فاصله معنی‌داری با بقیه کانون‌ها دارد که آن‌ها جمعاً دارای ۲۰ استنساخ هستند؛ فراوانی استنساخ آثار فقهی در کانون‌های بعدی چنین است:

حرم: ۷ نسخه؛ مسجد: ۵ نسخه؛ منزل: ۳ نسخه؛ خانه: ۲ نسخه؛ نظامیه: ۲ نسخه؛ خانقاه: ۱ نسخه؛

محله: ۱ نسخه. جداول زیر میزان کتابت و استنساخ آثار فقهی را در مدارس و کانون‌های دیگر را نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فراوانی کانون‌های استنساخ آثار فقهی و فراوانی نسخه‌های کتابت شده

ردیف	نام مراکز و کانون‌های استنساخ	تعداد مراکز و کانون‌ها	تعداد نسخه‌های کتابت شده در کانون‌های استنساخ
۱	مدرسه	۴۷ مدرسه	۶۵ نسخه
۲	حرم	۴ حرم	۷ نسخه
۳	مسجد	۵ مسجد	۵ نسخه
۴	منزل	۳ منزل	۳ نسخه
۵	خانه	۲ خانه	۲ نسخه
۶	مدرسه نظامیه	۲ مدرسه	۲ نسخه
۷	خانقاه	۱ خانقاه	۱ نسخه
۸	محله	۱ محله	۱ نسخه
۹	مجموع	۶۵ عدد کانون	۸۶ نسخه

ب) نحوه پراکندگی کانون‌های استنساخ آثار فقهی در مراکزی به جز مدرسه

در جدول ۲، نوع و محل مراکز استنساخ آثار فقهی به جز مدرسه و تاریخ کتابت نسخه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۲. نحوه پراکندگی مراکز دیگر شیعی (به جز مدرسه) و فراوانی نسخه‌های فقهی کتابت شده

ردیف	نوع مرکز	نام مرکز	تعداد نسخه کتابت شده در مرکز	تاریخ کتابت
۱	مسجد (۴ مسجد)	مسجد الحرام (مکه)، مسجد اولیاءالله، مسجد خواجه بکیجان بزاز، مسجد جامع قدیم (اصفهان)	۴ نسخه	از ۹۲۹ تا ۱۰۱۷ ق
۲	حرم (۴ حرم)	حرم مطهر رضوی (مشهد)، حرم مطهر امام حسین (کربلا)، حرم مطهر امام علی (نجف اشرف)، حرم عبدالعظیم حسنی (شهر ری)	۷ نسخه	از ۹۵۶ تا ۱۰۳۶ ق
۳	منزل (۳ منزل)	منزل قاضی اعلی، منزل کمال‌الدین حسین شیرازی، منزل مولانا محمد سمنانی	۳ نسخه	از ۹۶۹ تا ۱۰۲۸ ق
۴	خانه (۲ خانه)	خانه ملا حاجی بابا، خانه ملا عبدالله شوشتری (مشهد)	۲ نسخه	۱۰۰۷ و ۱۰۱۶ ق
۵	مدرسه نظامیه (۲ نظامیه)	مدرسه نظامیه شیراز، مدرسه نظامیه هرات	۲ نسخه	۹۷۸ و ۱۰۳۲ ق
۶	خانقاه (۱ خانقاه)	خانقاه ناصرالدین بن محمد بن ابوعلی (استرآباد)	۱ نسخه	۹۰۷ ق
۷	محله	محله باب‌الدشت (اصفهان)	۱ نسخه	۹۸۰ ق
۸	مجموع	۱۷ مرکز	۲۰ نسخه	از ۹۰۷ تا ۱۰۳۶ ق

بررسی و نظر: اگرچه در این دوره کانون‌های مختلفی برای کتابت آثار فقهی شکل گرفته‌اند

مدرسه‌های شیعی تازه تأسیس شده در این دوره، چون محل درس و بحث و مباحثات علمی در خصوص

مبانی اعتقادی شیعه و از جمله، طرح مباحث استدلالی در مورد مبانی فقهی شیعه بوده، بنابراین فاضلان و طلاب این مدارس برای تأمین منابع و مواد درسی مورد نیازشان در مواردی خودشان اقدام به کتابت آثار فقهی در این مدارس نموده و در مواردی هم استنساخ منابع فقهی مورد نیازشان را به کاتبان سفارش می‌دادند. چنان که در برخی از مراکز عبادی مانند حرم‌های مقدس و مساجد نیز تعداد محدودی استنساخ این آثار انجام شده و این نشان می‌دهد که مساجد و حرم‌های مقدس جدای از کاربرد عبادی و راز و نیاز، محل‌هایی برای درس و بحث و حتی کتابت آثار مذهبی از جمله آثار فقهی نیز بوده‌اند. در منازل علما و مدارس نظامیه نیز در کنار تدریس مباحث فقهی، کتابت این آثار نیز صورت گرفته است؛ همچنان که در مواردی در خانقاه‌ها نیز به کتابت نسخه‌های فقهی اقدام شده است.

پاسخ به پرسش دوم پژوهش: بررسی فراوانی تعداد مدارس و میزان استنساخ آثار فقهی در مدارس

دوره صفوی اول

چنان که جدول ۳ نشان می‌دهد، در میان شهرهای ایران دوره صفوی اول، شهرهای مشهد و شیراز، هرکدام با ۹ مدرسه و اصفهان با ۶ مدرسه دارای بیشترین مدارس شیعی با بیشترین فراوانی کتابت آثار فقهی بوده سپس شهرهای کاشان با ۴ مدرسه و تهران با ۳ مدرسه و شهر حله عراق با ۲ مدرسه و بقیه شهرها هرکدام با ۱ مدرسه در رتبه‌های بعدی به لحاظ فراوانی استنساخ آثار فقهی در مدارس شیعی قرار دارند.

نکته: مبنای طبقه‌بندی شهرها در کشور ایران و کشورهای دیگر در جدول فوق، تقسیم فعلی است نه تقسیم دوره صفوی؛ چرا که بر مبنای جغرافیای تاریخی دوره صفویه، شهر هرات در آن دوره، جزء ایران و در مقطعی از آن دوره، پایتخت ایران بوده است. عراق در تمام دوره شاه اسماعیل و نیمی از دوره شاه طهماسب و بخشی از دوره شاه عباس و شاه صفی نیز جزئی از ایران بوده است.

جدول ۳. نحوه پراکندگی مدارس شیعی و فراوانی نسخه‌های فقهی کتابت شده

ردیف	نام کشور	نام شهر	نام مدرسه	تعداد آثار کتابت شده	تاریخ کتابت
۱	ایران	مشهد رضوی (۹ مدرسه)	امیر یونس خواجه، امین‌الدین پیرزاد، بالاسر، پیرزاد، شاهرخ، شاروجیه، قدمگاه، میر افضل، یوسف خواجه	۱۶ نسخه	از ۹۶۹ تا ۱۰۳۰ ق
		شیراز (۹ مدرسه)	خواجه مقصود بیکی، رفیعیه، رضویه، لطفیه، محبیه، منصوریه، میرزا علی جابر انصاری، میرزا لطف الله، نظامیه	۱۳ نسخه	از ۹۷۸ تا ۱۰۳۵ ق
		اصفهان (۶ مدرسه)	جعفریه، شاه عباس، شیخ لطف الله، عیدیه نزدیک مسجد جامع کبیر، مبارکشاه، محمودشاه	۶ نسخه	از ۱۰۱۷ تا ۱۰۳۸ ق

تا ۹۲۸ از ۱۰۰۶ ق	نسخه ۵	کاشان (۴ مدرسه)	حسینی، سعید، معینه، معینی
تا ۱۰۰۶ از ۱۰۲۹ ق	نسخه ۳	تهران (۳ مدرسه)	خواجه مقصود بیک، شاهزاده عبدالعظیم، فخرالدین
از ۹۵۷ تا ۱۰۳۶ ق	نسخه ۵	قزوین (۱ مدرسه)	رزم ساریه
۱۰۱۶ ق	نسخه ۲	قم (۱ مدرسه)	فاطمیه
۹۷۸ ق	نسخه ۱	هرات (۱ مدرسه)	نظامیه
۹۰۸ ق	نسخه ۱	دمشق (۱ مدرسه)	خاتونیه
۹۵۷ و ۹۱۱ ق	نسخه ۲	عراق (فعلی)	حله (۲ مدرسه)
۹۵۵ ق	نسخه ۱	هندوستان (حیدرآباد دکن)	شاه مردم
از ۹۵۵ تا ۱۰۳۰ ق	نسخه ۸	نامعلوم (۷ مدرسه)	سلطان، سلطانیه، شیخ الاسلام شیخ احمد بن ابی جامع، عبیدیه، مجدیه، ملا قاضی علی، میر افضل

بررسی و نظر: با توجه به نیاز پادشاهان صفویه به گسترش فرهنگ و عقیده شیعه امامیه پس از اعلام

رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، اهتمام به تأسیس و راه‌اندازی مدارس شیعی در شهرهای بزرگ و مهم کشور از برنامه‌های پادشاهان صفوی در دوره صفویه اول بود. با بررسی مراکز کتابت دوره صفوی اول در میان آثار فقهی مورد مطالعه، تعداد مدارس شهرهای مشهد و شیراز و اصفهان از فراوانی بالایی برخوردار بودند و تعداد مدارس شهرهای کاشان و تهران در رتبه بعدی و تعداد مدارس شهرهای قزوین و قم در رتبه آخر قرار گرفته‌اند. در تمامی مدارس ایران و حتی مدارس کشورهای دیگر (ذکر شده در جدول ۲)، آثار فقهی فقه‌های مشهور امامیه و عمدتاً کتاب‌هایی که به عنوان منبع درسی تلقی می‌شوند، کتابت و استنساخ شده‌اند.

پاسخ به پرسش سوم پژوهش: تعیین عناوین نسخ خطی فقهی کتابت شده در مدارس دوره صفوی

اول و مراکز نگهداری آن نسخه‌ها.

جدول ۴. مراکز دربردارنده نسخ خطی فقهی کتابت شده در دوره صفویه را نشان می‌دهد.

جدول ۴. عناوین نسخه‌های فقهی کتابت شده در مدارس دوره صفویه و مراکز نگهداری آن‌ها (به تفکیک شهرها)

ردیف	نام شهر	عنوان نسخه	محل نگهداری
۱	مدارس مشهد رضوی (۹ مدرسه) ۱۶ نسخه	۱. منیه اللیب فی شرح التهذیب، ۲. کنز العرفان، ۳. الاثنی عشریه فی الصلاه (۲ نسخه)، الاثنی عشریات الخمس، ۴. المختصر النافع (۲ نسخه)، حاشیه النافع فی مختصر الشرایع، ۵. حاشیه الالقیه، ۶. الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه، ۷. حاشیه النافع فی مختصر الشرایع، حاشیه المختصر النافع، کنز العرفان، ۸. الجعفریه، ۹. قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ذبایح اهل الكتاب	۱. کتابخانه گلپایگانی، ۲. کتابخانه مرعشی، ۳. کتابخانه‌های: دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی، دانشگاه تهران، علی اکبر فیاض، ۴. کتابخانه‌های: دانشگاه تهران (۲ نسخه)، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، ۵. کتابخانه ملک، ۶. کتابخانه دانشگاه تهران، ۷. کتابخانه‌های: دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی (۲ نسخه)، مرعشی، ۸. کتابخانه ملی، ۹. کتابخانه‌های: امام جمعه زنجان، مرعشی.
۲	مدارس شیراز (۹ مدرسه) ۱۳ نسخه	۱. المطالب المظفریه فی شرح الرساله الجعفریه، شرح دیباجه الرساله الجعفریه، ۲. الارث، ۳. حاشیه ارشاد الازهان، ۴. الاثنی عشریه فی الصلاه، ۵. صلاه و صوم، نجاسات و احکام آن‌ها، حاشیه النافع فی مختصر الشرایع، ۶. حاشیه فقهیه، ۷. حاشیه شرایع الاسلام، ۸. حاشیه ارشاد الازهان، المطالب المظفریه فی شرح الرساله الجعفریه، ۹. الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه.	۱. کتابخانه مرعشی (۲ نسخه)، ۲. کتابخانه مرعشی، ۳. کتابخانه سپهسالار (مدرسه شهید مطهری)، ۴. کتابخانه ملک، ۵. کتابخانه‌های: دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی (۲ نسخه)، گلپایگانی، ۶. کتابخانه ملک، ۷. کتابخانه ملک، ۸. کتابخانه‌های: مدرسه مروی، آستان قدس رضوی، ۹. کتابخانه آستان قدس رضوی.
۳	مدارس اصفهان (۶ مدرسه) ۶ نسخه	۱. الکر، ۲. الحبل المتین فی احکام احکام الدین، ۳. حل عباره قواعد الاحکام، ۴. ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، ۵. الرضاع، ۶. من لا یحضره الفقیه.	۱. کتابخانه ملک، ۲. کتابخانه دانشگاه تهران، ۳. کتابخانه مجلس شورا، ۴. کتابخانه حسینیه شوشتری‌ها، ۵. کتابخانه جلیلی، ۶. کتابخانه گلپایگانی.
۴	مدارس کاشان (۴ مدرسه) ۵ نسخه	۱. الجعفریه، ۲. المختصر النافع، ۳. مناسک الحج، جمل لاید منه فی مناسک الحج و زیاره الرسول، ۴. منیه اللیب فی شرح التهذیب.	۱. کتابخانه دانشگاه تهران، ۲. کتابخانه گلپایگانی، ۳. کتابخانه مجلس شورا (۲ نسخه)، ۴. کتابخانه مجلس شورا
۵	مدارس تهران (۳ مدرسه) ۳ نسخه	۱. المختصر النافع، حاشیه النافع فی مختصر الشرایع، ۲. المعتبر فی شرح المختصر، ۳. المطالب المظفریه فی شرح الرساله الجعفریه.	۱. کتابخانه‌های: مسجد اعظم قم، مجلس شورا، ۲. کتابخانه ملی، ۳. کتابخانه آستان قدس رضوی.
۶	مدارس قزوین (۱ مدرسه) ۵ نسخه	۱. جامع المقاصد فی شرح القواعد، ارشاد الازهان الی احکام الایمان (۲ نسخه)، الفوائد الملیه فی شرح الرساله النقلیه، قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام.	۱. کتابخانه‌های: گلپایگانی، دانشگاه اصفهان، دانشگاه تهران، آستان قدس رضوی، سریزدی (حظیره).
۷	مدارس قم (۱ مدرسه) ۲ نسخه	۱. جهه القبله (۲ نسخه).	۱. مرکز احیاء میراث اسلامی (۲ نسخه).
۸	مدارس هرات (۱ مدرسه) ۱ نسخه	۱. ارشاد الذهان الی احکام الایمان.	۱. کتابخانه علامه طباطبایی
۹	مدارس دمشق (۱ مدرسه) ۱ نسخه	۱. ارشاد الذهان الی احکام الایمان.	۱. کتابخانه سریزدی (حظیره).

۱۰	مدارس حله عراق (۲ مدرسه) ۲ نسخه	۱. المختصر النافع، ۲. کنز العرفان فی فقه القرآن.	۱. کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، ۲. کتابخانه مدرسه امام صادق قزوین.
۱۱	مدارس گلکنده حیدرآباد دکن (۱ مدرسه) ۱ نسخه	۱. نتایج الافکار فی حکم المقیمین فی الاسفار.	۱. کتابخانه مدرسه باقریه مشهد.
۱۲	مدارس شهرهای نامعلوم (۷ مدرسه) ۸ نسخه	۱. شرح الفرائض السجاوندی، ۲. شرح الفرائض السجاوندی، ۳. الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۴. المختصر فی شرح المختصر، السعدی، ۵. ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ۶. ارشاد الازهان الی احکام الایمان، ۷. کنز العرفان فی فقه القرآن.	۱. کتابخانه مجلس شورا، ۲. کتابخانه مرعشی، ۳. کتابخانه ملی، ۴. کتابخانه علامه طباطبایی (۲ نسخه)، ۵. کتابخانه مرعشی، ۶. کتابخانه گلپایگانی، ۷. کتابخانه علامه طباطبایی.

چنان که در جدول ۵، نشان داده می‌شود، از مجموع ۶۳ نسخه فقهی کتابت شده در مدارس دوره صفوی اول، بیشترین فراوانی این نسخه‌ها با تعداد ۸ نسخه (۱۲/۷٪) در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم نگهداری می‌شود و سپس تعداد ۶ نسخه (۹/۵٪) در هر کدام از کتابخانه‌های: گلپایگانی، مجلس شورای اسلامی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی و سپس ۵ نسخه (۷/۹٪) در کتابخانه ملک و ۴ نسخه (۶/۳۵٪) در هر کدام از کتابخانه‌های: آستان قدس رضوی و علامه طباطبایی و ۳ نسخه (۴/۷۶٪) در کتابخانه ملی و ۲ نسخه در هر کدام از کتابخانه‌های: مرکز احیاء میراث اسلامی و سریزدی (حظیره) و ۱ نسخه در هر کدام از ۱۱ کتابخانه دیگر نگهداری می‌شوند.

بررسی و نظر: با توجه به این که فراوانی نسخ خطی فقهی موجود در هر کتابخانه، گرایش موضوعی آن کتابخانه در مجموعه‌سازی و فراهم‌آوری نسخ خطی را نشان می‌دهد، بنابراین می‌توان گفت که در میان کتابخانه‌های بزرگ کشور، کتابخانه‌های آیت الله مرعشی و آیت الله گلپایگانی در قم و کتابخانه‌های دانشگاه تهران و مجلس شورای اسلامی در تهران و کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد با فراوانی بیشتر و کتابخانه‌های ملک و آستان قدس رضوی و علامه طباطبایی و در آخر کتابخانه ملی با فراوانی کمتر به فراهم‌آوری نسخ خطی فقهی اهتمام داشته‌اند.

نتایج پژوهش

نتایج پژوهش عبارتند از: الف) از میان ۳۹۲ کتاب و رساله فقهی تألیف و کتابت شده در دوره صفوی اول، فقط در ۸۶ نسخه از آثار فقهی مورد پژوهش، کانون استنساخ ذکر شده که بیشترین فراوانی استنساخ مربوط به مدرسه است که با ۶۵ استنساخ در ۴۷ مدرسه، فاصله معنی‌داری با بقیه کانون‌ها دارد که آن‌ها جمعاً دارای ۲۰ استنساخ هستند؛ فراوانی استنساخ آثار فقهی در کانون‌های بعدی چنین است: حرم: ۷ نسخه؛ مسجد: ۵ نسخه؛ منزل: ۳ نسخه؛ خانه: ۲ نسخه؛ نظامیه: ۲ نسخه؛ خانقاه: ۱ نسخه؛ محله: ۱ نسخه.

ب) در میان شهرهای ایران دوره صفوی اول، شهرهای مشهد و شیراز هر کدام با ۹ مدرسه و اصفهان با ۶ مدرسه، دارای بیشترین مدارس شیعی با بیشترین فراوانی کتابت آثار فقهی بوده سپس شهرهای کاشان با ۴ مدرسه و تهران با ۳ مدرسه و شهر حله عراق با ۲ مدرسه و بقیه شهرها هر کدام با ۱ مدرسه در رتبه‌های بعدی به لحاظ فراوانی استنساخ آثار فقهی در مدارس شیعی قرار دارند.

سیاسگزاری

با توجه به این که مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی مصوب در شورای پژوهشی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به سال ۱۳۹۹ است، از اعضای محترم آن شورا به خاطر حمایت در اجرای طرح پژوهشی نگارنده سیاسگزاری می‌شود. همچنین از داوران محترمی که در جهت تکمیل مقاله، از ارائه نقطه نظرات ارزشمندشان دریغ نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- اسکندریبیگ، ترکمان (۱۳۸۲ هـ.ش). *تاریخ عالم آرای عباسی*. تصحیح ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- اشکوری، سیدصادق (۱۳۸۷). *اسناد موقوفات اصفهان*. زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- امانی یمین، مهدی (۱۳۸۸). *مدرسه زنگنه یا مدرسه بزرگ همدان*. پیام بهارستان، ۲(۳).
- بحرانی، یوسف (بی تا). *لؤلؤة البحرين فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث*، تصحیح سیدصادق بحر العلوم. بیروت: دارالاضواء.
- بخشی استاد، موسی الرضا (۱۳۹۰). *مدرسه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در عصر صفویه*. پایان نامه دکتری، رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
- بخشی استاد، موسی الرضا (۱۳۹۲). *جایگاه مدرسه در عصر صفوی*. تهران: یاسین نور.
- بخشی استاد، موسی الرضا؛ احمدی، نزهت (۱۳۹۲). *تأثیر علمی مدارس در عصر صفویه*. پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۳(۱۱)، ۷-۲۷.
- بخشی استاد، موسی الرضا؛ رضایی، رمضان (۱۳۹۳). *نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده امامی*. مجله ادیان و عرفان، ۴۷(۲)، ۱۹۷-۲۱۶.
- بهمنی، مریم (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر مدارس مذهبی اصفهان در گسترش و تثبیت تشیع در عصر صفویه*. پایان نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان.
- جزایری، سیدنعمت الله (بی تا). *الانوار النعمانیة*. بیروت مؤسسه الاعلمی.
- جزایری، عبدالله (۱۴۰۹ق). *الاجازة الکبیره*، به پژوهش محمد سمایی حائری. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸). *تاریخ ایران اسلامی دفتر چهارم (صفویه از ظهور تا زوال) سال‌های ۹۰۵ تا ۱۱۳۵ق*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- حاتمی، فاطمه (۱۳۸۲). *وقف نامه مدرسه مقیمیه*. مجله وقف میراث جاویدان، ۱۱(۴۲).

- حسینی عاملی، محمدشفیخ (۱۳۸۳). *محافل المؤمنین*. تصحیح ابراهیم عرب پور و منصور جغتایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- حسینی زاده، محمد علی (۱۳۸۰). *اندیشه سیاسی محقق کرکی*. مرکز مطالعات و پژوهش‌های اسلامی پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- روملو، حسن (۱۳۴۲). *احسن التواریخ*. تصحیح نارمن سیدن. تهران: انتشارات کتابخانه صدر.
- رئیس الساداتی، جواد (۱۳۹۳). *ققه و فقاقت در دوره صفویه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- شاردن، ژان (۱۳۳۰). *سفرنامه بخش اصفهان*. ترجمه حسین عریضی. چاپخانه راه نجات.
- شاردن، ژان (۱۳۷۴). *سفرنامه شوالیه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی. تهران: انتشارات توس، چاپ اول.
- شجاعی، آیدا (۱۳۹۱). *کارنامه علمی و فرهنگی دولت‌های شیعه در ایران تا پایان دوره صفویه و تأثیرات آنی و آتی آن در تاریخ اسلام*. دانشگاه پیام نور مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات.
- شیبانی، نظام الدین مجیر (۱۳۴۶). *تشکیل شاهنشاهی صفویه و احیاء وحدت ملی*. تهران: دانشگاه تهران.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۸). *فراز و فرود صفویان*. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- قنبری زاده، راضیه (۱۳۹۲). *نهادهای آموزشی شیعیان از دوره صفویه تا قاجاریه*. دانشگاه پیام نور مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گرایش تاریخ تشیع.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳). *انقراض سلسله صفویه*. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

References

- Abisaab, R. j. (2004). *Converting Persia: Religion and Power in the Safavid Empire*, *International Library of Iranian Studies*. Tauris, London.
- Amani Yamin, M. (2010). Zanganeh School or the Great School of Hamedan. *Payam Baharestan*, 2(3). (in Persian)
- Bahmani, M. (2011). *Study of the impact of Isfahan religious schools on the expansion and consolidation of Shiism in the Safavid era*. Thesis of the Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University. (in Persian)
- Bahrani, Y. (No Date). *The people of Bahrain in the permissions and the translation of the men of hadith*, corrected by Sayyid Sadiq Bahr al-Ulum. Beirut: Dar Al-Azwa. (in Persian)
- Bakhshi Ostad, M. (2012). *School and its scientific and social effects in the Safavid era*. PhD Thesis, History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology, University of Tehran. (in Persian)
- Bakhshi Ostad, M. (2014). *The position of the school in the Safavid era*. Tehran: Yasin Noor.
- Bakhshi Ostad, M., & Ahmadi, N. (2013). Scientific influence of schools in the Safavid era. *Journal of Islamic History*, 3(11), 7-27.
- Bakhshi Ustad, M., & Rezaei, R. (2014). The role of Safavid schools in the spread of Twelver Shiism. *Journal of Religions and Mysticism*, 47(2), 197-216.
- Chardin, J. (1952). *Travelogue of Isfahan*. translated by Orizi, H. Rahe-nejat printing house.

- Chardin, J. (1996). *Chardin's Travelogue*. translated by Yaghmaei, I. Tehran: Toos Publications, first edition.
- Eshkevari, S. (2009). *Isfahan endowment documents, under the supervision of the General Directorate of Endowments and Charitable Affairs of Isfahan*. Qom: Islamic Reserves Association. (in Persian)
- Ghanbarizadeh, R. (2013). *Shiite educational institutions from the Safavid period to the Qajar period*. Payame Noor University of Mashhad, M.Sc. Thesis, Shiite History. (in Persian)
- Hatami, F. (2003). Waqf letter of Moghimieh school. *Eternal Heritage Endowment Magazine*, 11(42). (in Persian)
- Hosseini Ameli, M. S (2005). *Mahafel Al-Momenin*, edited by Arabpour, I., & Jaghtai, M. Mashhad: Islamic Research Foundation. (in Persian)
- Hosseinzadeh, M. A (2002). Political thought of Mohaghegh Karki. Center for Islamic Studies and Research, Institute for Islamic Political Thought. Qom: Daftar e Tablight e Islami. (in Persian)
- Iscandar Beig, T. (2003). *History of the Abbasid world*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amirkabir Publications. (in Persian)
- Jafarian, R. (2000). *History of Islamic Iran, the fourth book (Safavid from emergence to decline) from 905 to 1135 AH*. Tehran: Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought. (in Persian)
- Jafarian, R. (2001). *Safavids in the field of religion, culture and politics*. Qom: Research Institute and University. (in Persian)
- Jazayeri, A. (1409 AH). *The Great Authority (Great permission)*, by Mohammad Samami Haeri. Qom: Ayatollah Marashi Library.
- Jazayeri, N. (No Date). *Al-Anwar Al-Nu'maniya*. Beirut Scientific Institute.
- Lockhart, L. (2005). *Extinction of the Safavid dynasty*, translated by Dolatshahi. Tehran: Scientific and cultural publications. (in Persian)
- Ra'is al-Sadati, J. (2014). *jurisprudence and jurisprudent in the Safavid period*. Master Thesis, Faculty of Theology and Islamic Studies, Islamic Azad University, Mashhad Branch.
- Romlu, H. (1964). *Ahsan al-Tawarikh*, edited by Narman S. Tehran: Sadr Library Publications. (in Persian)
- Sefat Gol, M. (2010). *The rise and fall of the Safavids*. Tehran: Young Thought Center Publications. (in Persian)
- Sheibani, N. (1968). *The formation of the Safavid Empire and the revival of national unity*. Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- Shojaei, A. (2013). *Scientific and cultural record of Shiite governments in Iran until the end of the Safavid period and its immediate and future effects on the history of Islam*. Payame Noor University of Mashhad, Master Thesis. (in Persian)